

بررسی ساخت‌های پرسش‌واژی چندگانه در زبان مازندرانی: رویکردی کمینه‌گرا

مریم رشیدی* marmarashidi@gmail.com

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی ساری

واژگان کلیدی

* برنامه‌ی کمینه‌گرا

* حرکت پرسش‌واژه‌های چندگانه

* زبان مازندرانی

* اصل جذب نزدیک‌ترین پرسش‌واژه

چکیده

بررسی مطالعه و ثبت هر کدام از گونه‌های زبانی، برای پی‌بردن به چگونگی سازوکار نظام زبان‌های بشری بسیار حائز اهمیت است. از جمله موضوعات مورد بررسی ذیل مطالعات زبان‌شناسی، بررسی فرآیند نحوی حرکت پرسش‌واژه و مشخصاً پرسش‌واژه‌های چندگانه در زبان‌هاست. در پژوهش حاضر، تلاش بر آن بوده است تا در چارچوب برنامه‌ی کمینه‌گرا و بر اساس اصل جذب نزدیک‌ترین پرسش‌واژه، جایگاه جملات حاوی دو یا چند پرسش‌واژه و شیوه‌ی عملکرد آن‌ها در زبان مازندرانی مورد مطالعه قرار گیرد. هدف از این پژوهش، ارزیابی نوع نگرش این رویکرد در بررسی این‌گونه از ساخت‌های دارای پرسش‌واژه در زبان مازندرانی است. بررسی ساخت‌های حاوی ادات استفهامی چندگانه در این زبان نشان می‌دهد که انشقاق پرسش‌واژه‌ها در این زبان نیازمند اعمال اصل ACP نمی‌باشد. در پرسش‌واژه‌های دوتایی یا چندتایی درجا که حرکت وجود ندارد، متمم‌ساز دارای ویژگی سؤالی (wh-feature) نبوده و ضرورتی ندارد که عبارت پرسشی (wh-expression) در جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما قرار گیرد. در مورد جملاتی که حرکت پرسش‌واژه‌ها در آن اختیاری بوده، نیازی به اعمال اصل ACP نیست. داده‌های این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و استفاده از شم زبانی گویش‌وران گردآوری شده و شیوه بررسی آن‌ها توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

۱. مقدمه

از آغاز شکل‌گیری دستور زایشی و نگارش کتاب ساخت‌های نحوی چامسکی^۱ و معرفی انواع گشتارهای نحوی در پی آن، تنها گشتاری که توانست در الگوهای بعدی نظریه جایگاه خود را حفظ کرده و به برنامه‌ی کمینه‌گرا نیز راه یابد، گشتار حرکت و از جمله حرکت پرسش‌واژه در زبان انگلیسی بود که مورد توجه قرار گرفته است. زبان‌های مختلف، رفتارهای متفاوتی برای عملکرد پرسش‌واژه‌ها در جملات پرسشی دارند: جابه‌جایی آشکار پرسش‌واژه‌ها و باقی ماندن آن‌ها در جایگاه خود. پرسش‌واژه در زبان‌هایی نظیر انگلیسی به جایگاه آغازین جمله حرکت می‌کند و در نهایت ردی از خود به جا می‌گذارد، به طوری که جایگاه پرسش‌واژه با جایگاه گروه اسمی معادل خود در جمله خبری متفاوت است (چامسکی، ۱۹۵۷). چامسکی این حرکت را حرکت آلفا^۲ نامیده است. وی در بررسی‌های خود اظهار داشته که پرسش‌واژه از جای اصلی خود به جایگاه غیرنقشی در ابتدای جمله حرکت می‌نماید و حرکت این سازه را از جایگاه موضوع به جایگاه غیرموضوع معرفی می‌کند و جایگاه فرود آن را مشخص‌گر گروه متمم‌نما [spec, cp] می‌داند. در این حرکت، پرسش‌واژه بر رد خود تسلط سازه‌ای دارد.

آخرین صورت از دستور زایشی و از مهم‌ترین دستاوردهای این مکتب رویکرد یا برنامه‌ی کمینه‌گرا است که از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ بر دستور همگانی برتری یافته و با تأکید بر اصل اقتصاد^۳ تمامی جنبه‌های این نظریه را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. این برنامه اساساً از نظریه‌ی اصول و پارامترها، متعلق به دهه‌ی ۱۹۸۰، مشتق شده است و هدف آن تبیین اصول اولیه‌ی این نظریه و به‌ویژه اصل اقتصاد می‌باشد؛ به عبارتی روح حاکم بر برنامه‌ی کمینه‌گرا، بر مبنای حداکثر اختصار در نظریه است. مهم‌ترین اصل این رویکرد، حذف تمامی ویژگی‌های زبانی در راستای رسیدن به اصول کلی‌تر می‌باشد. تنها سطوح زبانی مطرح در این برنامه، صورت منطقی و صورت آوایی هستند؛ مقوله‌های واژگانی و طی یک فرآیند گام‌به‌گام، صورت

^۱. syntactic Structures

^۲. α - movement

^۳. economy principle

منطقی را شکل می‌دهند که چامسکی آن را فرآیند محاسباتی^۴ نامیده است؛ به عبارتی فرآیند اصلی نحوی، ادغام^۵ می‌باشد.

از شروع برنامه‌ی کمینه‌گرا، چامسکی حرکت را به گونه‌ای متفاوت با نظریه‌ی حاکمیت/مرجع در نظر گرفته است. حرکت پرسش‌واژه عبارت است از ادغام یک کپی از عنصر پرسش‌واژه به صورتی که در خود ساختار مشخصه‌های واجی عنصر اصلی حذف می‌شوند و تنها کپی حاصل از آن به صورت آوا تلفظ می‌شود. در این گذر، عنصر حذف‌شده یک اثر در مبدأ از خود بر جای می‌گذارد.

[_{CP} wh-phrase_i [_{C'} c [_{IP} [_{VP} ... t_i ...]]]]

ریتزی^۶ (۱۹۹۶) نیز طبق معیار پرسش‌واژه‌ها معتقد است که در همه زبان‌ها یک عملگر پرسشی به مشخص‌گر گروه متمم‌ساز حرکت می‌کند تا با مشخصه‌ی پرسشی [wh] در هسته‌ی متمم‌ساز در رابطه مشخص‌گر- هسته قرار بگیرد. این عملگر می‌تواند در سطح ساخت ظاهری یا در سطح منطقی جابه‌جا شود. کوک و نیوسان (۱۹۹۷: ۲۰۶)، حرکت پرسش‌واژه را حرکت سازه‌ی پرسشی یا گروه پرسشی از یک جایگاه موضوعی (جایگاه نقش‌های دستوری فاعل و مفعول) به سمت نزدیک‌ترین جایگاه غیر موضوعی مشخص‌گر گروه متمم‌نما می‌دانند. در نحو کمینه‌گرا، جمله‌ی پرسش‌واژی چندگانه، جمله‌ای است که دارای دو یا چند پرسش‌واژه یا گروه پرسشی می‌باشد و تحت عملکرد آن پرسش‌واژه‌ها قرار می‌گیرد. فرض بر این است که این‌گونه ساخت‌ها در زبان مازندرانی به دلیل وجود آزادی نسبی در ترتیب واژگانی و نحوی این زبان، عملکردی متفاوت داشته باشند؛ حال پرسش این‌جاست که در زبان مازندرانی حرکت دو یا چند پرسش‌واژه چگونه است و آیا رعایت اصل "جذب نزدیک‌ترین پرسش‌واژه"^۷ اعمال می‌شود؟

با توجه به توضیحات داده شده، این پژوهش سعی بر انجام مطالعه‌ی تطبیقی جایگاه ساخت‌های حاوی پرسش‌واژه‌های چندگانه در زبان مازندرانی و مقایسه‌ی آن با زبان فارسی

4. computational procedure

5. merger

6. L. Rizzi

7. Attract Closest Principle/ACP

معیار و انگلیسی را دارد. بنابراین تلاش بر آن بوده است تا در چارچوب برنامه‌ی کمینه‌گرا و با توجه به اصل جذب نزدیک‌ترین پرسش‌واژه و با فرض عمل‌کرد متفاوت زبان مازندرانی، این حرکت بررسی شده و ضمن معرفی داده‌های مرتبط با این ساخت‌ها، ویژگی‌های مهم آن‌ها به لحاظ نحوی و اطلاعاتی مورد بررسی قرار گیرد. پس از بیان مقدمه‌ای بر این جستار، در بخش دوم و به اختصار برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده‌ی داخلی و خارجی پیرامون حرکت پرسش‌واژه‌های چندگانه در این زبان را بیان می‌کنیم. در بخش سوم با مطرح نمودن رویکرد نوین کمینه‌گرایی، توصیفی کلی از عملکرد این پدیده در برنامه‌ی کمینه‌گرا ارائه شد. در بخش چهارم، داده‌ها در جملات این زبان و به صورت قیاس با زبان فارسی معیار و انگلیسی تجزیه و تحلیل و یافته‌های این پژوهش بازگویی و نتیجه‌گیری شده‌اند.

۲. پیشنهاد پژوهش

در این بخش به شرح برخی از مهم‌ترین آثار قابل توجهی می‌پردازیم که به طور مستقیم یا غیرمستقیم مبحث حرکت پرسش‌واژه‌های چندتایی را در جملات زبان‌های متعددی مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند. مشخصاً یکی از مهم‌ترین و اولین آثاری که به معرفی و توصیف ساخت این‌گونه جملات پرداخته چامسکی (۱۹۶۴، ۱۹۷۷) بوده که زبان‌ها را به لحاظ نوع حرکت پرسش‌واژه‌هایشان به دو نوع تقسیم کرده است: زبان‌هایی که فاقد حرکت اجباری پرسش‌واژه هستند (مانند زبان ژاپنی) و زبان‌های دارای حرکت پرسش‌واژه (مانند زبان انگلیسی).

آهنگر (۱۳۸۵)، در مقاله خود براساس دیدگاه چامسکی اشتقاق جمله‌های استفهامی را در زبان‌های متفاوت تابع یکی از مشخصه‌های \pm حرکت پرسش‌واژه دانسته است. وی در این پژوهش، جمله‌های پرسشی را به دو نوع تقسیم کرده است: ساخت‌هایی با پرسش‌واژه در جای اصلی و ساخت‌های دارای حرکت پرسش‌واژه. او هم‌چنین اشتقاق جمله‌های پرسشی دارای حرکت آشکار را از جایگاه‌های نحوی متفاوت دانسته و معتقد است که صرفاً جملات پرسشی دارای حرکت آشکار پرسش‌واژه در برابر محدودیت‌های نحوی حساس‌اند.

رقیب دوست (۱۳۷۳)، در پژوهش خود زبان فارسی را از نوع پرسش‌واژه در جای اصلی^۸ شمرده و از این روی معتقد است پیش‌آیندی پرسش‌واژه‌ها^۹ در این زبان حرکت نحوی اجباری نیست. وی این پیش‌آیندی پرسش‌واژه‌ها را در زبان فارسی حاصل فرآیند مبتداسازی دانسته و افزون بر آن حرکت پرسش‌واژه‌ها را اختیاری فرض کرده است. مانند: کی کی دید؟

شاه علی (۱۳۸۷)، در تحقیقی تحت عنوان "بررسی عملکرد جملات چند استفهامی زبان فارسی در چهارچوب اصل "اثر برتری"^{۱۰} در چارچوب برنامه کمینه‌گرایی چامسکی، حرکت پرسش‌واژه‌ها در جملات استفهامی و چند استفهامی زبان انگلیسی و تأثیر اصل اثر برتری بر این نوع حرکت را مورد بررسی قرار داده‌است. وی اظهار داشته که بر خلاف نظریه‌ی بوشکوویچ^{۱۱} (۱۹۹۹) مبنی بر این‌که زبان‌های کانونی ضوابط اصل اثر برتری را رعایت نمی‌کنند، جملات چند استفهامی زبان فارسی، به عنوان یک زبان کانونی، ضوابط این اصل را رعایت می‌نمایند. از طرف دیگر، ضمن تشریح مفهوم "نقض اثر برتری"، نظر کهنمویی‌پور (۲۰۰۱) که بر این باور است برخی جملات چند استفهامی دستوری زبان فارسی مواردی از نقض اثر برتری نمی‌باشند، را به نقد کشید و با ایجاد پیشنهاد یک "مجوز نحوی برای نقض اثر برتری" مشخص نشان داد که نظر وی در مورد جملاتی که پرسش‌واژه در آن در جایگاه فاعل قرار دارد قابل اعمال نمی‌باشد.

کهنمویی‌پور (۲۰۰۱)، با بررسی جملات تأکیدی (نشان‌دار) در زبان فارسی، معتقد است که پرسش‌واژه در زبان فارسی به جایگاه کانون پیش فعلی حرکت می‌کند و حرکت آن از نوع نحوی نیست و طی آن پرسش‌واژه به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما منتقل می‌شود. از دیدگاه وی پرسش‌واژه به دو نوع تقسیم می‌شوند: موضوعی و افزوده‌ای. حرکت پرسش‌واژه افزوده‌ای کاملاً اجباری است چون در صورت ماندن در جایگاه باعث غیردستوری شدن ساخت می‌شود. وی اشاره کرد که زبان فارسی جزو زبان‌هایی است که در آن حرکت پرسش‌واژه به صورت حرکت نحوی-تاکیدی است و محل فرود آن جایگاه تأکیدی قبل از فعل یا مشخص‌گر گروه فعلی می‌باشد. او در نهایت به این نتیجه می‌رسد که با در نظر گرفتن جابه‌جایی

^۸ Wh-in-situ

^۹ Wh-fronting

^{۱۰} superiority effect

^{۱۱} Bošković, Željko

پرسش‌واژه‌ها از بعد از فعل به قبل از آن، فارسی جزء زبان‌های پرسش‌واژه درجا نیست و از آن‌جا که پرسش‌واژه‌ها در این زبان به مشخص‌گر گروه متمم‌ساز جابه‌جا نمی‌شوند، این جابه‌جایی را نحوی تلقی نمی‌کند، و در نهایت این زبان را در طبقه زبان‌های کانون-ابتدا^{۱۲} قرار می‌دهد.

واعظی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ی خود تحت عنوان ساخت‌های پرسش‌واژه‌ای در زبان فارسی (رویکردی کمینه‌گرا)، شیوه‌ی عمل‌کرد ساخت‌های پرسش‌واژه‌ای ساده و مرکب را در زبان فارسی و بر اساس نظریه‌ی فاز مبتنی بر آخرین دیدگاه چامسکی (۲۰۰۱) بررسی نموده است. تحلیل وی بیان‌گر آن است که زبان فارسی دو نوع جمله‌ی پرسشی دارد: نخست، پرسش‌واژه‌ی واقع در جای اصلی و دوم، پرسش‌واژه‌ی حرکت‌کرده. حرکت پرسش‌واژه در زبان فارسی، در دو جایگاه متفاوت روی می‌دهد: نخست، گروه کانون و دوم، گروه منظوری. قابل ذکر است تاکنون در هیچ یک از آثار معرفی شده و موجود، حرکت پرسش‌واژه‌های چندگانه در زبان مازندرانی در قالب برنامه‌ی کمینه‌گرایی و به صورت مقایسه‌ای با زبان فارسی مورد بررسی قرار نگرفته است. داده‌های گویشی این پژوهش به شیوه‌ی ضبط گفتگوهای روزمره و مصاحبه با گویشوران ساکن این ناحیه جمع‌آوری شده‌اند و از منابع کتابخانه‌ای نیز در مورد زبان‌های دیگر مورد مطالعه استفاده شده است.

۳. چارچوب نظری

در تمامی نظریه‌ها و دیدگاه‌های متعددی که از سال ۱۹۵۷ تاکنون مطرح شده‌اند زبان انگلیسی از زبان‌هایی است که حرکت پرسش‌واژه به جایگاه ابتدای جمله در آن اجباری است:

1) Who was she meeting?

اما مواردی نیز یافت می‌شود که حرکتی در آن مشاهده نمی‌شود؛ مانند این مثال که ردفورد (۲۰۰۹ م: ۱۸۳) آن را به عنوان پرسش انعکاسی (Echo Question) می‌آورد:

2) She was meeting who?

3) Who bought what?

¹². focus-fronting

حرکت پرسش‌واژه در ساختارهای پرسشی جملات فارسی که تحت عملکرد یک عامل پرسشی^{۱۳} قرار بگیرند، اختیاری است:

4) (a) محسن چه کسی را کتک زد؟

Mohsen tʃe kæsi rɒ kotæk zæd? (حرکت در جای اصلی)

Whom did Mohsen beat?

(b) چه کسی را محسن کتک زد؟

tʃe kæsi rɒ Mohsen kotæk zæd? (انگیزه‌ی حرکت نقشی است)

Whom did Mohsen beat?

شواهدی از این نوع ساخت‌ها در زبان مازندرانی نیز وجود دارد:

5) (a) Te kene vesse dəəri kɒr kendi? (مازندرانی) (حرکت در جای اصلی)

تو برای چه کسی کار می‌کنی؟ (فارسی)

For whom do you work? (انگلیسی)

(b) kene vesse te dəəri kɒr kendi? (مازندرانی) (انگیزه‌ی حرکت نقشی است)

برای چه کسی تو کار می‌کنی؟ (فارسی)

For whom do you work? (انگلیسی)

حرکت پرسش‌واژه‌ها به جایگاه آغازین جمله در زبان‌های چینی، ژاپنی، فارسی و مازندرانی اجباری نیست؛ این پرسش‌واژه‌ها دقیقاً در جایی قرار می‌گیرند که گروه اسمی معادل آن در جمله‌ی خبری در همان جایگاه قرار دارد. چنین زبان‌هایی را هوانگ^{۱۴} زبان‌های پرسش‌واژه در جای اصلی می‌نامد.

دسته‌ی دیگری از ساخت‌های پرسشی وجود دارند که توسط دو عامل پرسشی عمل می‌کنند. همان‌طوری که پیشتر ذکر شد، جمله‌ی پرسش‌واژی چندگانه دارای دو یا چند پرسش‌واژه با عملکرد دو پرسش‌واژه می‌باشد. مثال‌هایی از زبان‌های فارسی، ژاپنی، انگلیسی، بلغاری و مازندرانی ویژگی‌های این خصیصه را در زبان‌های مختلف نشان می‌دهند:

¹³. Wh-operator

¹⁴. Huang

6) علی چی رو چرا خرید؟ (فارسی)

Ali t_{fi} ro t_{fero} xærid?

Ali-ga nani-o naze katta no? (ژاپنی)

چرا ادات استفهام خرید

مفعول - چه فاعل - علی

7) Who gave what to whom? (انگلیسی)

8) Kio na kogo kakvo dade? (بلغاری)

داد چی کی به کی

کی چی رو به کی داد؟

9) Ke ke re bæko:fte? (مازندرانی)

چه کسی چه کسی را کشت؟ (فارسی)

Who did kill whom? (انگلیسی)

Who killed whom?

زبان‌های فارسی، ژاپنی و (با فرض) مازندرانی فاقد حرکت اجباری پرسش‌واژه به ابتدای جمله‌ی پرسشی هستند و به عبارتی این حرکت اختیاری می‌باشد. اما این حرکت در انگلیسی و بلغاری اجباری است. با این تفاوت که مهم‌ترین خصیصه‌ی نحوی در یک چنین جملات پرسشی در زبان انگلیسی این است که تنها و تنها یکی از پرسش‌واژه‌ها حرکت می‌کند و در غیر این صورت جمله نادستوری خواهد شد؛ اما در زبان بلغاری، حرکت تمامی ادات استفهامی به ابتدای جمله اجباری است.

اصل "جذب نزدیک‌ترین سازه" سبب می‌شود تا نزدیک‌ترین پرسش‌واژه در جملات پرسشی چندگانه‌ی زبان‌های حاوی حرکت آشکار پرسش‌واژه به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما منتقل گردد و بقیه‌ی پرسش‌واژه‌ها در جایگاه اصلی خود در جمله باقی بمانند:

10) (a) Whom t_i did you persuade t_j to call whom?

چه کسی را متقاعد کردی که به چه کسی زنگ بزند؟

(b) *Whom t_i did you persuade whom to call t_j ?

- (۱) [چه کسی را] t_i معلم i به چه کسی معرفی کرد؟
 (۲) [به چه کسی] i معلم چه کسی را t_i معرفی کرد؟

در هر یک از جملات فارسی و انگلیسی بالا، دو ضمیر پرسشی وجود دارد که با جایگاه اصلی خود هم‌مرجع می‌باشند. مقصد حرکت در همه‌ی جملات یکی است؛ اما مبدأ حرکت در جملات (a) و (۱) در مقایسه با جملات دیگر به جایگاه متمم‌نما نزدیک‌تر است. پستسکی^{۱۵} (۲۰۰۰) جذب نزدیک‌ترین پرسش‌واژه را شرط برتری^{۱۶} می‌داند که نخستین بار چامسکی (۱۹۷۳) بیان کرده بود. بر اساس این شرط، اعمال هیچ قانون دستوری نمی‌تواند شامل X و Y در ساختار $[a...Z...WYV...]$ باشد. اگر در این ساختار قانونی به‌گونه‌ای بر Y و Z اعمال می‌گردد و Z بر Y برتری دارد. در زبانی مانند بلغاری که در جملات پرسشی آن تمامی پرسش‌واژه‌ها در آغاز جمله ظاهر می‌شوند نیز شرط برتری هم‌چنان برقرار است چراکه برخلاف حرکت تمامی پرسش‌واژه‌ها این بالاترین پرسش‌واژه است که در سمت چپ‌ترین جای جمله ظاهر می‌شود.

11) Kio na kogo kakvo dade? (بلغاری) wh1 wh2 wh3

داد چی کی به کی
 چه کسی چه چیزی را به چه کسی داد؟

حرکت جزئی از فرآیند ساختارسازی است؛ هر بار که حرکتی انجام می‌گیرد، ساختاری ایجاد می‌شود. هم‌چنین اشاره کردیم که مهم‌ترین ویژگی نحوی در حرکت‌های چندپرسش‌واژه‌ای در برنامه‌ی کمینه‌گرا این است که تنها می‌توانیم یکی از آن‌ها را حرکت داده و به جلوی جمله بیاوریم. ساختار جملات زیر در انگلیسی شاهدی بر این فرضیه است:

- 12 a) Who do you guess will eat **what**?
 b) ***What who** do you guess will eat?
 c) ***Who what** do you guess will eat?
 d) ***What** do you guess **who** will eat?

¹⁵ . Pesetsky, D

¹⁶ . Superiority effect

جمله‌ی (a) مثالی از یک ساختار پرسش‌واژه‌ی چندگانه در زبان انگلیسی است و نادرستی بودن جملات (b) و (c) نشان می‌دهد که تنها یک عامل پرسشی می‌تواند حرکت کرده و به جلوی جمله و در جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما بیاید. همچنین نادرستی بودن جمله‌ی (d) بیان‌گر این است که انتخاب و جایگیری از اصولی تبعیت می‌کند که نقض آن به نادرستی شدن آن می‌انجامد. چامسکی (۱۹۹۵) در این مورد اصل ACP را پیشنهاد داده که بر اساس آن، هسته، نوع مفروضی از یک سازه را جذب می‌کند که نزدیک‌ترین سازه از آن نوع باشد. حال برای تعیین نزدیک‌ترین سازه شرایطی لازم است به‌طوری که: سازه‌ی X به Y نزدیک‌تر باشد تا به Z؛ سازه‌ی X بر هر دو سازه‌ی Y و Z تسلط سازه‌ی داشته باشد؛ همچنین سازه‌ی Z در داخل فرافکنی بیشینه‌ای باشد که شامل Y نباشد. به این ترتیب در یک جمله‌ی دارای چند پرسش‌واژه و در جایگاه هسته‌ی گروه متمم‌نما که تهی است به یک متمم نیاز است که دارای مشخصه‌ی پرسشی بودن (WH) باشد. این جمله براساس اصل فرافکنی گسترده (EPP) باید دارای یک مشخص‌گر گروه متمم‌نما باشد که با ویژگی‌های پرسشی هسته هماهنگ است. پس به طور کلی حضور یک پرسش‌واژه ضروری است. برای مرتفع ساختن این نیاز و براساس اصل (ACP) نزدیک‌ترین پرسش‌واژه را که در مثال‌های بالا «who» می‌باشد حرکت کرده و در جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما [spec, cp] قرار می‌گیرد.

حرکت برخی از پرسش‌واژه‌های خاص در زبان فارسی و مازندرانی با این روند متفاوت است:

13) a) [ʃə ʃi re [pro [ke i re [ti] bəteme]]]?

اش م - گفتن را - نشانه مفعولی چه کسی را - نشانه مفعولی چه چیزی

چه چیزی را به چه کسی گفتم؟ / چی رو به کی گفتم؟

b) Ke re ʃə ʃi bəteme?

اش م - گفتن چه چیزی را - نشانه مفعولی چه کسی

What did I say to whom?

پرسش‌واژه‌ی حرکت داده شده‌ی دوم (کی/چه کسی) در همین جمله در فارسی (همانند انگلیسی) منجر به نادرستی شدن جمله می‌گردد:

* چه کسی را به چه چیزی گفتم؟ / کی رو به چی گفتم؟

* چه کسی چه چیزی را گفتم؟ / کی چی رو گفتم؟

What did I say to whom?

اما هر دو جمله‌ی بالا در مازندرانی، دستوری و قابل قبول (برخلاف فارسی و انگلیسی) می‌باشد و این بدان معنی است که حرکت هر دو پرسش‌واژه در این جمله‌ی مازندرانی آن را نادرستی نکرده است. در بخش بعدی این پژوهش به این چالش و تفاوت‌ها پرداخته‌ایم.

۴. چگونگی حرکت پرسش‌واژه‌های چندگانه در مازندرانی

در این بخش به معرفی کلی جابه‌جایی پرسش‌واژه‌های چندگانه و شیوه‌های مختلف عملکرد آن پرداخته و سپس با ارائه‌ی مثال‌هایی، این پدیده در زبان مازندرانی و مقایسه‌ی آن با زبان فارسی را بررسی می‌نماییم. مبنای گزینش متون در پژوهش حاضر، به صورت تصادفی، گویشوران بومی و محلی و هم‌چنین داستان‌های عامیانه‌ای بوده‌اند که زبانی روایی داشته و به زبان گفتار مردم زمان خود نزدیک می‌باشند.

زبان مازندرانی: این زبان (تبری) از زبان‌های کهن ایرانی و یکی از زبان‌های محلی در شمال ایران است که بازمانده از زبان پهلوی، سانسکریت و جزو گروه زبان‌های دسته‌ی غربی می‌باشد. امروزه در حاشیه‌ی باریک بین کوه‌های البرز و کناره‌ی جنوبی دریای خزر و شرق گیلان به این زبان صحبت می‌شود و نزدیک به زبان‌های تاتی، گیلکی، تالشی و سمنانی است (شکری، ۱۳۷۴). خصوصیات این زبان مانند دیگر زبان‌های ایرانی، به ویژه دسته‌ی غربی است و می‌توان گفت که از نظر صورت‌های گوناگون زبانی مانند تلفظ، دستور، مذکر و مؤنث و خنثی بودن و صرف اسامی، نسبت به گونه‌های زبانی دسته‌ی غربی از سادگی بیشتری برخوردار است؛ ولی با همه‌ی سادگی و گوناگونی خود، شکل خاص‌تری را شامل می‌شود (نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۶۸).

۱.۴ انواع پرسش‌واژه‌های چندگانه در مازندرانی

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده از داده‌های مستخرج از این زبان، می‌توان رفتار نحوی پرسش‌واژه‌های چندتایی در جملات مختلف این زبان را بر مبنای تکرار رخداد آن‌ها در جملات به دو گروه مجزا دسته‌بندی نمود:

۱.۱.۴ جملات بدون وقوع حرکت پرسش‌واژه

در برخی از ساخت‌های پرسشی که دو پرسش‌واژه دارند، هیچ‌کدام از این دو تحت عملکرد حرکت پرسش‌واژه قرار نمی‌گیرند و هر دو پرسش‌واژه در جایگاه اولیه (بی‌نشان) خود باقی می‌مانند.

1) [TP [NP te] [T'] [VP] [V' , [PP ke re] [NP **ʃəʃi**] [v bɒti]]]]]]]?
 “What did you say to whom?”

همان‌طور که مشاهده می‌شود دو کلمه‌ی پرسشی «ke» و «**ʃəʃi**» در جایگاه نحوی اصلی خود قرار داشته و حرکتی صورت نگرفته است. به‌طوری که پیش‌آیندی یکی از دو پرسش‌واژه (wh-fronting)، منجر به نادستوری شدن و یا حداقل غیر قابل پذیرش بودن جمله‌ی اول توسط شم زبانی گویشور بومی خواهد شد؛ در مثال زیر پرسش‌واژه‌ی اول به ابتدای جمله آورده شده است:

? [CP [PP ke re]] [TP [NP te] [T [VP [V ti [NP **ʃəʃi**] [v bɒti]]]]]]]]]?

و در نتیجه‌ی خروج پرسش‌واژه‌ی دوم «**ʃəʃi**» و تقدم آن بر پرسش‌واژه‌ی فاعلی «ke» این ساخت نادستوی خواهد شد:

*[CP [NP **ʃəʃi** i] [TP [NP te] [T [VP [V [PP ke re] [ti v bɒti]]]]]]]]]?

مثال دیگر از این قسم ساخت‌ها که در آن‌ها حرکت هیچ‌کدام از پرسش‌واژه‌ها به ابتدای جمله جاز نمی‌باشد:

2) kəmintɒ zəɒ **ʃikɒr** hɒkerde?

* **ʃikɒr** hɒkerde kəmintɒ zəɒ?

“Which woman did what?”

اگر یکی از پاسخ‌های احتمالی به سؤال (۲) را در نظر بگیریم، گروه اسمی (NP) به‌جای پرسش‌واژه‌ی «kəmintɒ» جایگزین می‌شود، مانند «?untɒ» و یا هر گروه اسمی دیگری و همین‌طور پرسش‌واژه‌ی «**ʃikɒr**» به عنوان متمم فعلی در جمله‌ی خبری مثبت ظاهر می‌گردند.

3) Ke **ʃe** ?inti kende?

* **ʃe** ke ?inti kende?

“Who did what so?”

- 4) Hæsen **ʃi** re **kedze dze/n** bæxrie?
 *Hæsen **kedze dze/n** **ʃi** bæxrie?
 ?? Hæsen **kedze dze/n** **ʃi** re bæxrie?
 “What did buy hasan from where?”

صورت خبری جمله‌ی بالا این‌گونه می‌باشد: Hæsen sere re ʃæhre dæro:n bæxrie.
 در این جمله، پرسش‌واژه‌ها دقیقاً در جایی قرار گرفتند که گروه اسمی معادل آن (sere) و (ʃæhre dæro:n) در جمله‌ی خبری در همان جایگاه قرار دارد و جابه‌جایی پرسش‌واژه‌ها صورت نگرفته است. معمولاً عبارات پرسشی در این‌گونه ساخت‌ها به عنوان متمم فعل در انتهای جمله قرار می‌گیرند.

- 5) Gæppa **ʃi** re **ke** re hedɒʔe?
 *Gæppa **ke** re **ʃi** re hedɒʔe?
 “What did grandfather give to whom?”

لازم به ذکر است در جمله‌های (۴) و (۵) بسته به این‌که در برخی موقعیت‌های کاربردی و بنا به انگیزه‌های کلامی، نقش تأکیدی کلام مد نظر باشد جمله‌ای که حاوی پرسش‌واژه‌ی پیش‌آیندی است، با قید نشانه مفعولی «re» دستوری و قابل قبول می‌باشد. در مورد زبان فارسی، کهنمویی پور (۲۰۰۱) این‌طور می‌گوید که زبان‌های فاقد جزء پرسشی زبان‌هایی هستند که به پرسش‌واژه‌ها اجازه جابه‌جا شدن را می‌دهند. وی هم‌چنین معتقد است که با در نظر گرفتن جابه‌جایی پرسش‌واژه‌ها از بعد از فعل به قبل از آن، فارسی جزء زبان‌های پرسش‌واژه درجا نیست و از آن‌جا که پرسش‌واژه‌ها در این زبان به مشخص‌گر گروه متمم ساز جابه‌جا نمی‌شوند، این جابه‌جایی را نحوی تلقی نمی‌کند، و در نهایت این زبان را در طبقه زبان‌های کانون-ابتدا^{۱۷} قرار می‌دهد.

- 6) **ke** **kene dze** (m) **telaq bæjte**?
 ***kene dze** (m) **ke/i** **telaq bæjte**?
 “Who divorced from whom?”
 7) **Ke** re **jad dære** ʔemɒ **ʃetʃi** bæxrimi?
 ***ʃetʃi ki** **jod dørne** ʔemɒ bæxrimi?
 “Who remembers we bought what?”

¹⁷ . focus-frontig

- 8) *tʃetʃi re tʃeti bæjteme?*
**tʃeti re tʃetʃi bæjteme?*
 What did I get how?

مشاهده می‌شود که در این نوع جملات، حرکت پرسش‌واژه چه به صورت اختیاری و چه به صورت اجباری دیده نمی‌شود و هرگونه حرکت جزء پرسشی به ابتدای جمله منجر به نادستوری شدن آن می‌گردد. در چنین جملاتی که دارای چند پرسش‌واژه می‌باشند، متمم‌ساز دارای ویژگی پرسشی (wh-feature) نیست و بر اساس اصل فراقنی گسترده (EPP) لازم نیست که عبارت استفهامی (پرسشی) (wh-expression) در جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌ما قرار بگیرد و به همین علت به یک متمم با این ویژگی‌ها هم نیازی ندارد. به این ترتیب می‌توان دریافت که چون هیچ نوع حرکت پرسش‌واژه‌ای صورت نگرفته، بنابراین ضرورتی برای اعمال اصل ACP هم وجود ندارد.

۲.۱.۴ جملات با وقوع یک حرکت پرسش‌واژه

همان‌طوری که پیشتر اشاره شد، حرکت پرسش‌واژه در زبان انگلیسی از جایگاه موضوع^{۱۸} به جایگاه غیرموضوع^{۱۹} در مشخص‌گر گروه متمم‌ما [spec, cp] صورت می‌گیرد و به لحاظ تحلیل نحوی (صورت‌گرایی) متمم‌ما محور می‌باشند؛ اما این تحلیل‌ها در برخی جملات با سازه‌های آشکار تأکیدی با مشکل روبرو می‌شوند.

- 8) I am convinced [**that** *no other colleague* would he turn to]

در ساخت‌های پرسشی یقیناً بخشی از اطلاعات مجهول است که آن پرسش‌واژه می‌باشد که در واقع سازه‌ای است که پرسش‌کننده اطلاعی از آن ندارد و به دنبال پاسخ آن می‌باشد. این اطلاعات مجهول می‌تواند به لحاظ نحوی قید مکان، زمان، مفعول و فاعل جمله باشد. در بررسی نقشی این ساخت‌ها، کانون نقش مهمی دارد. ریتزی (۱۹۹۶) با مطرح نمودن فرضیه‌ی انشاقی گروه متمم‌ما، بیان داشته که این گروه نقشی است و سازه‌های کانونی در درون گروه کانونی قرار می‌گیرند:

- 9) [[**that** [_{FocP} **no other colleague** [_{would} [_{TP} he would turn to *no other colleague*]]]]
 (ردفورد ۲۰۰۹: ۲۲۸)

¹⁸ . A.Position

¹⁹ . A' _ Position

چنین جایگاهی در زبان فارسی نیز در پژوهش‌های مختلفی تأیید شده است (کهنمویی‌پور، ۲۰۰۱؛ آهنگر، ۱۳۸۵). به عبارتی، سازه‌ی کانونی حاوی اطلاعات نو و سازه‌های مبتداه‌دارای اطلاعات کهنه‌اند (ردفورد، ۲۰۰۹: ۲۲۹).

- نمیدونم [که [چرا [خونه شون رو فروخت]]]؟

- [[این‌که [خونه‌شون چرا فروخت]] نمیدونم]؟

[ForceP [spec...Forc^r]] [Forc...FocP] [Spec_t...Foc^r]] [Foc...TP_t]

دسته‌ی دیگر از جملات حاوی پرسش‌واژه‌های چندگانه شامل ساخت‌هایی می‌شوند که در صورت جابه‌جایی هر کدام از اجزای پرسشی (ادات استفهام) ساختار حاصله دارای جمله‌ی خوش‌ساخت و دستوری خواهد بود.

10) (a) [[[[nædo:mbe][**ʃəʃi** (v)æsse ve burde]]]. (پژواکی)

آش م رفتن آش م او برای چه آش م دانستن - ادات نفی

b) [[[[**ʃəʃi** (v) æsse] ve burde] re nædo:mbe]. (تأکیدی)

آش م دانستن - ادات نفی نشانه مفعولی آش م رفتن آش م او برای چه

I do not know why he left.

در مثال (b)، تنها پرسش‌واژه به عنوان سازه‌ی کانونی در بند قرار گرفته، جمله دستوری است و حرکت انگیزه‌ی کاربردی دارد.

بنابراین در برخی از جملات سؤالی که به منظور برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات در مکالمه‌های افراد به کار می‌روند، کلمه‌ی پرسشی که اطلاع مجهول جمله است نقش‌های متفاوتی دارد. در این گونه ساخت‌ها اغلب حرکت پرسش‌واژه کاملاً اختیاری بوده و انگیزه‌های کاربردی و کلامی داشته؛ به طوری که هدف گوینده از حرکت، بیان احساساتی هم‌چون تأکید بیشتر، خشم، ناراحتی، تعجب و ... می‌باشد. در مثال زیر پرسش‌واژه‌های «**ʃəʃi**» (what) و «**kedʒe**» (where) در جایگاه اصلی خود قرار دارند و حرکتی صورت نگرفته است:

11) (a) **ʃəʃi** re **kedʒe** dʒɒ bævinem?

آش م دیدن از-نشانه مفعولی کجا را-نشانه مفعولی چه چیزی

[TP [NP ø] [T [VP [V [NP **ʃəʃi** re] [PP **kedʒe** dʒɒ] [V bævinem?]]]]]]?

What do I see from where?

حال اگر پرسش‌واژه‌ی «kedʒə» در اثر یک حرکت به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما [spec,cp] حرکت نماید، باز هم یک جمله‌ی دستوری سالم به دست می‌دهد:

(b) **Kedʒə dʒɒ tʃəʃi re bævinem?**

۱ ش م-دیدن را-نشانه مفعولی چه چیزی از-نشانه مفعولی کجا

[CP **kedʒə** i]TP [NP \emptyset] [T [VP [V [NP **tʃəʃi** re ti [V **bævinem**]]]]]?]

What do I see from where?

12) (a) **kəmin-tɒ re vene kene vesse hɒdem?**

۱ ش م-دادن به-نشانه مفعول به‌ای (فاعلی) کی باید را-نشانه مفعولی کدام یک

(b) **vəne kenə vesse kəmin-tɒ re hɒdem?**

۱ ش م-دادن را-نشانه مفعولی کدام یک به-نشانه مفعول برای کی باید

Which one should I give to whom?

13) (a) **kere bɒti kene dʒɒ/dʒem xɛʃ bemu?**

۳ ش م-خوش آمدن نشانه مفعول از کی چه کسی نشانه مفعول به‌ای ۲ ش م-گفتن (مفعولی) چه کسی

به چه کسی گفتی از چه کسی خوشش آمد؟

(b) **kene dʒɒ/dʒem kere xɛʃ bemu?**

Who did like whom?

14) (a) **tʃetʃi kene vesse xɒre?**

۳ ش م-خوب بودن برای کی (چه کسی) چی (چه چیزی)

(b) **kene vesse tʃetʃi xɒre?**

۳ ش م-خوب بودن چی (چه چیزی) برای کی (چه کسی)

What is good for whom?

مثال‌ها نشان می‌دهند که تعداد پرسش‌واژه‌ها در زبان مازندرانی محدود بوده و از این لحاظ نیز به زبان فارسی شباهت دارد. همان‌طوری که مثال‌های بالا نشان می‌دهند پرسش‌واژه‌های به کار رفته در این قبیل ساخت‌ها چه از نوع درجا و چه از نوع حرکت داده شده باشد، جملات دستوری و خوش‌ساختی به دست می‌دهند. از آنجایی که رفتار پرسش‌واژه‌ها در چنین جملاتی بیشتر کلامی است تا نحوی و انگیزه‌ی حرکت به منظور تأکید بیشتر و اغلب در مکالمات محاوره‌ای می‌باشد، مشاهده می‌شود که اصل «ACP» نیز ضرورت پیدا نمی‌کند. به

عبارتی زمانی که تعبیر نحوی برای جابه‌جایی اجزای پرسشی وجود ندارد، خودبه‌خود توجیه این‌گونه حرکات بر مبنای «اصل نزدیک‌ترین سازه» صورت نمی‌گیرد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

بررسی ساختاری جملات چنداستفهامی در مازندرانی از منظر برنامه‌ی کمینه‌گرایی و با توجه به اصل جذب نزدیک‌ترین پرسش‌واژه صورت گرفته است. با فرض عمل‌کرد متفاوت زبان مازندرانی با زبان انگلیسی و شباهت نسبی آن با زبان فارسی، چگونگی این حرکت بررسی شده و یافته‌های حاصل از داده‌ها حاکی از آن است که در ساخت و انشقاق این‌گونه ساخت‌های پرسشی نیازی به اعمال اصل ACP نمی‌باشد. جملات بر مبنای تکرار رخداد پرسش‌واژه‌ها در آن‌ها به دو گروه تقسیم و رفتار نحوی، کلامی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفتند.

در دسته‌ی اول که پرسش‌واژه‌های دوتایی یا چندتایی درجا وجود دارند، حرکت پرسش‌واژه‌ها چه به‌صورت اختیاری و چه به‌صورت اجباری دیده نمی‌شود و گاه (جز در موارد استثنا) هرگونه پیش‌آیندی جزء پرسشی به نادرستی شدن جمله منتهی می‌گردد. متمم‌ساز دارای (wh-feature) نیست و بر اساس اصل فرافکنی گسترده (EPP) لازم نیست که عبارت پرسشی (wh-expression) در جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما قرار بگیرد و به همین علت به یک متمم با این ویژگی‌ها هم نیازی ندارد. در دسته‌ی دوم حرکت وجود داشته اما اختیاری بوده و اغلب انگیزه‌های کاربردی و کلامی دارد؛ به‌طوری‌که هدف گوینده از حرکت، بیان احساساتی هم‌چون تأکید بیشتر، خشم، ناراحتی، تعجب و ... می‌باشد و بنابراین ضرورتی برای اعمال اصل ACP هم وجود ندارد. این‌طور می‌توان نتیجه‌گیری نمود که ACP در زبان مازندرانی بیشتر به صورت یک پارامتر عمل می‌کند تا یک اصل.

منابع

آهنگر، عباسعلی (۱۳۸۲)، «تحلیلی صورتگرا از حرکت پرسش‌واژه در زبان فارسی» مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۱۳۸۲ ش. ۱۵۳ صص ۱۰۹.

شکری، گیتی (۱۳۷۴)، گویش ساری (مازندرانی)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.

نجف‌زاده بارفروش، محمدباقر (۱۳۶۸). *واژه‌نامه مازندرانی*، تهران، بنیاد نیشاپور.

واعظی، هنگامه (۱۳۹۲)، «ساخت‌های پرسش‌واژه‌ای در زبان فارسی (روی کرد کمینه‌گرا)»، *زبان پژوهی*، دوره ۵، شماره ۱، ۹۰۱، ویژه‌نامه زمستان، ۱۹۹-۲۲۱.

شاه علی، ابوالفضل (۱۳۸۷)، بررسی عملکرد جملات چند استفهامی زبان فارسی در چهارچوب اصل اثر برتری.

Bošković, Ž. (1999). *on multiple feature checking: Multiple WH fronting and multiple Head-movement*. In *Working Minimalism*, ed. Samuel Epstein and Norbert Hornstein, 159-187. Cambridge, Mass: MIT Press.

Chomsky, Noam (1957). *Syntactic Structures*. The Hague: Mouton.

----- (1977). "On WH-Movement". In P. Culicover et.al. (Eds.), *Formal syntax*. New York: Academic Press.

----- (1995). *The Minimalist Program*, Cambridge, M.I.T. Press.

Cook, V., & M. Newson. (1997). *Chomsky's universal grammar: an introduction*. Oxford: Blackwell.

Huang, C. T. James (1982). *Logical Relations in Chinese and the Theory of Grammar*. Ph.D. Dissertation. M.I.T.

Pesetsky, D. (2000) *Phrasal Movement and Its Kin*. MIT Press, Cambridge Mass.

Radford, A. (2006). *Minimalist Syntax: Exploring the Structure of English*. Cambridge: Cambridge University Press.

----- (2009). *Analyzing English Sentences: A Minimalist Approach*. Cambridge University Press.

Raghibdust, Shahla (1994). "Multiple Wh-Fronting in Persian". In: *Cahier de Linguistique*. PP. 21, 27 and 58.

Rizzi, L. (1996). Residual verb Second and the WH Criterion. *Parameters and Functional Heads: Essays in Comparative Syntax*, 63-90.

Kahnemuyipour, A. (2001). on Wh-Questions in Persian. *Canadian Journal of Linguistics*, 46 (1-2): 41-61.